



سید خلیل سجادیپور  
info@khorasannews.com

کنکاش های قضایی در پرونده زن صاحبخانه در حالی ابعاد جدیدی از این ماجرای تکان دهنده را فاش کرد که مشخص شد جوان مستاجر منزل مسکونی، با طرح نقشه ای زیر کانه و برای نپر داختن چندماه اجاره معوقه، دست به آدمکشی زده است.

به گزارش روزنامه خراسان، چهاردهم اسفند سال گذشته، فریادهای دلخراش کمک، کمک یک زن، اهالی خیابان شاهنامه ۶۹ را سر اسیمه و نگران به سوی منزل کشاند که غوغایی در آن جا بر پا شده بود. برخی از اهالی که زودتر به منزل مذکور رسیدند، مستاجر جوان را مشاهده کردند که پیکر خون آلود زن صاحبخانه را رها کرد و در حالی که خنجر ی را در دست می فشرد از طریق پشت بام پا به فرار گذاشت. در همین حال بعضی از همسایگان زن ۵۴ ساله نیز به طرف پشت بام دویدند و «سعید- الف» (جوان مستاجر) را به دام انداختند تا از فرار وی جلوگیری کنند. طولی نکشید که خودروی افسران گشت انتظامی به سرپرستی سروان مصطفی حسینی (رئیس پاسگاه انتظامی فردوسی) آژیر کشان وارد شاهنامه ۶۹ شد و جوان مذکور را به مقر انتظامی انتقال دادند. دقایقی بعد امدادگران اورژانس نیز از راه رسیدند و پیکر نیمه جان زهرا کهن (زن صاحبخانه) را به بیمارستان طالقانی مشهد منتقل کردند اما وقتی پزشکان متخصص، مرگ وی را بر اثر اصابات ضربات کار دانیبد کردند، این ماجرای هولناک وارد مرحله تحقیقات جنایی شد. گزارش روزنامه خراسان حاکی است هنوز دقایقی بیشتر از گزارش این جنایت تلخ نگذشته بود که با حضور قاضی د کتر صادق صفری (قاضی ویژه قتل عمدمشهد) در مرکز درمانی بررسی های تخصصی آغازور مرگشایی از این معمای پیچیده جنایی در حالی آغاز شد که زن ۵۴ ساله با ضربات متعدد خنجر ی یک دم به قتل رسیده بود.

در همین حال همسر مقتول به قاضی ویژه پرونده های جنایی گفت: مدتی قبل فرزند معلولم گم شده بود که امروز اورا در یک مرکز تر کت اعتیاد پیدا کردم و اورا به منزل دایی ام بردم. همسر در خانه تنها بود که به او گفتم ناهار تهیه کند و خودم حدود ساعت ۱۲ ظهر به منزل دایی ا مر فتم. عصر هنگام وقتی به خانه برگشتم جمعیت زیادی را دیدم که مقابل منزل تجمع کرده بودند. زمانی که وار دخانه شدم همسر مرا خون آلود دیدم که روی پله ها افتاده بود و هنوز نفس می کشید. وحشت زده پرسیدم چی شده؟ او با دست به طبقه پایین منزل اشاره کرد و نام «سعید» را بر زبان راند که بعد همسایگان اورا روی پشت بام گرفتند و از فرار ش جلوگیری کردند.

مر دصاحبخانه همچنین به اختلاف بر سر نپر داختن اجاره بهای منزل با جوان ۲۷ ساله (سعید) نیز اشاره کرد و گفت: صبح امروز به سعید گفتم ۴ ماه است که اجاره خانه را نپر داخته اید! بالاخره یک فکری بکن! او هم مدتی بعد پیامک و اریز ۱۵ میلیون



## مردی مقابل چشمان همسرش در تهران به قتل رسید

مرد جوانی در جریان در گیری خیابانی در تهران با شلیک گلوله به قتل رسید؛ قاتل بلافاصله شناسایی و بازداشت شد. به گزارش صدا آتلاین، وقوع یک قتل با سلاح گرم در یکی از محله های تهران از سوی شهروندان به مر کز فوریت های پلیسی ۱۱۰ گزارش شد. با دریافت این گزارش، تیمی از اداره دهم پلیس آگاهی تهران به همراه باز پرس و ویژه قتل در محل حادثه حاضر شدند.

بررسی های اولیه نشان داد که مردی جوان بر اثر اصابت یک گلوله به ناحیه قفسه سینه جان خود را از دست داده است. شواهد



بازداشت کردند. متهم در همان مراحل ابتدایی بازجویی به ارتکاب جنایت اعتراف کرد. با پایان تحقیقات میدانی، جسد مقتول برای انجام بررسی های تخصصی شامل پاتولوژی و سم شناسی به سالن تشریح پزشکی قانونی کهریزک منتقل شد. متهم نیز برای روشن شدن زوایای پنهان این پرونده در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفته است. تحقیقات تکمیلی در این خصوص همچنان ادامه دارد.

# تحقیقات قضایی ابعاد جدیدی از قتل زن صاحبخانه را فاش کرد

# آدمکشی مستاجر برای نپر داختن اجاره بها!

عکس ها اختصاصی خراسان



متهم هنگام تشریح صحنه جنایت در حضور قاضی صفری

وی ماجرای پر داختن اجاره بهار از بر بین فرضیه های جنایی قرار داد اما طولی نکشید که مشخص شد متهم «سعید- الف» پولی به حساب صاحبخانه و اریز نکرده و بایک رسید جعلی صاحبخانه اش را فریب داده است. بر اساس گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این گونه بود که تنها متهم این پرونده جنایی دوباره مور د بازجویی های فنی قرار گرفت ولی باز هم قصه ساختگی دیگری را برای فرار از مجازات بازگو کرد. او گفت: یکی از دوستانم که در زمینه خرید و فروش طلا فعالیت می کند از من خواست چنان چه از وجود طلا در مکانی خبر دارم به او اطلاع بدهم که آن هارا سرقت کند! من هم که می دانستم صاحبخانه ام طلا دارد ماجرا را برایش بازگو کردم و او هم نقشه قتل را طراحی کرد ولی زمانی که من به محل رسیدم او از منزل صاحبخانه ام گریخت که در این هنگام من بایکر خون آلود صاحبخانه روبه رو شدم و قبل از آن که بتوانم فرار کنم، همسایگان از راه رسیدند و من با برداشتن چاقو به پشت بام فرار کردم و آن چاقوی خون آلود را درون لوله پلاستیکی انداختم که در پشت بام قرار داشت... در حالی که داستان سربایی های متهم برای مقام قضایی باور پذیر نبود، تحقیقات بیشتر از وی تپاسی از شب به طول انجامید و در نهایت متهم که خود را در میان رگبار سوالات تخصصی و گاهی انحرافی مقام قضایی می دید، به ناچار لب به اعتراف گشود و راز آدمکشی برای نپر داختن اجاره بهار افاش کرد. او گفت: من نقاش ساختمان هستم و به دلیل کاهش ساخت و سازها چندماه بود که نتوانستم اجاره بهای منزل را بپردازم. از سوی دیگر هم مدام صاحبخانه از من تقاضای پر داختن اجاره را می کرد که بالاخره نقشه قتل را طراحی کردم... گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است در پی اعترافات صریح متهم، وی صحنه جنایت هولناک را نیز در حضور قاضی دکتر صادق صفری و سروان آرمن منفرد بازسازی کرد. پس از تکمیل تحقیقات قضایی، کیفرخواست این پرونده جنایی در دادسرای عمومی و انقلاب صادر شد و بدین ترتیب با افشای همه ابعاد این جنایت تکان دهنده، پرونده مذکور به دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ا رسال شد تا دیگر مراحل دادرسی را طی کند.



متهم به قتل



خنجر جنایت



روزنه درون حمام



روزنه هواکش در پشت بام

## کلاهبرداری ۷۰ میلیارد تومانی با ترفند سرمایه گذاری در ارز دیجیتال

که از افراد بیشتری کلاهبرداری کند، تصریح کرد: تحقیقات پلیس برای احقاق حق شهروندانی که فریب وی را خورده و ماحصل یک عمر کار و تلاش و سرمایه خود را به این فرد ظاهر فریب و کلاهبردار سپرده اند، با جدیت در دستور کار قرار دارد.



زودتر با خبر شوید ...

www.mozayedemonaghese.com

واحد پشتیبانی و سایت ۰۲۱-۴۹۱۰۵۴۲۵



## مرگ وحشتناک در جشن تولد!

باورم نمی شود که اکنون به اتهام قتل مرا دستگیر کرده اند! من قاتل نیستم! من هم مانند خیلی از نوجوانان دیگر قربانی آسیب های اجتماعی بعد از طلاق پدر و مادر م شدم. من در مرگ «هستی» هیچ نقشی ندارم چرا که او خود کشی کرد و ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، نوجوان ۱۷ ساله ای که در پی مرگ دختری در یک مهمانی شوم دستگیر شده بود تا زوایای تاریک این ماجرا در تحقیقات جنایی مقام قضایی روشن شود، با بیان این که من خودم با اورژانس و پلیس تماس گرفتم و نقشی در مرگ «هستی» نداشتم، به تشریح سرگذشت تلخ خود پر داختن و به کارشناس اجتماعی کلانتری نجفی مشهد گفت: ۵ سال قبل زمانی که ۱۲ سال بیشتر نداشتم با دختری که در همسایگی ما زندگی می کرد آشنا شدم و خیلی زود روابط تلفنی و دیدار های حضوری من و «هستی» آغاز شد. او دختری ه من وسال خودم بود و زمانی که با او در ددل می کردم گویی به آرامش می رسیدم چرا که او نیز مانند من فرزند طلاق بود و با مادرش زندگی می کرد. این ماجرا موجب شده بود تا ما حرف های یکدیگر را به خوبی در ک کنیم! هر دوی ما قربانی آسیب های اجتماعی بعد از طلاق پدر و مادر مان بودیم و به نوعی احساس حقارت می کردیم. در این میان من در مقطع راهنمایی ترک تحصیل کردم و بر آن ای که در آینده شغلی داشته باشم به مهارت آموزی در یک تعمیر گاه خودرو مشغول شدم تا از این حرفه در آمد کسب کنم. از طرف دیگر روابط من و «هستی» در حالی ادامه داشت که مادران هر دوی ما در جریان موضوع بودند و می دانستند که قصد از دواج با یکدیگر را داریم! ولی حدود ۴ ماه قبل به خاطر یک سوء تفاهم ساده اختلافی بین من و «هستی» پیش آمد و ما باهم قهر کردیم! به طوری که در این مدت هیچ تماسی با یکدیگر نداشتیم تا این که روز گذشته یکی از دوستانم که تاریخ تولد مرا می دانست، جشن تولدی دوستانه بر اییم گرفت و چندتن از دوستان صمیمی را به دور همی مختلط دعوت کرد تا شبی را در کنار هم خوش بگذرانیم. اما «سینا» برای آن که مرا اغافلگیر کند، «هستی» را هم به جشن تولد دعوت کرده بود که من اطلاعی از این موضوع نداشتم!

خلاصه آن شب وقتی من و «هستی» چشم در چشم شدیم اختلافات گذشته را فراموش کردیم و با یکدیگر آشتی کردیم و سپس به همراه دیگر دوستانمان مشروبات الکلی دست ساز نوشیدیم. هنوز مدت زمان زیادی نگذشته بود که «هستی» به خاطر وخامت حالش به سرویس بهداشتی رفت تا آبی به سرو صورتش بزند تا شاید از این وضعیت رها شود. حدود نیم ساعت بعد از سرویس بهداشتی بیرون آمدم و به داخل اتاق خواب رفت تا روی تخت دراز بکشد؛ من هم به پذیرایی رفتم و به همراه دیگر دوستانم مشغول گفت و گو شدم. چند دقیقه بعد، صدای «هستی» را شنیدم که مرا صدا می زند. وقتی در اتاق را باز کردم تا ببینم چه کار می کند، ناگهان خودش را از پنجره طبقه دوم ساختمان پایین انداخت و من که دچار شوک آنی شده بودم، دست و پایم را گم کردم. وحشت زده با اورژانس تماس گرفتم ولی امدادگران اورژانس اعلام کردند که او جان خود را از دست داده است! به همین خاطر من و دیگر دوستانم دستگیر شدیم و حالا من با اتهام قتل روبه رو شده ام در حالی که من نقشی در مرگ «هستی» نداشتم ای کاش ... گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است این نوجوان ۱۷ ساله در حالی با هماهنگی های قضایی روانه کانون اصلاح و تربیت شد که تحقیقات بیشتر در باره ابعاد دیگر این ماجرای تکان دهنده با دستور های سر هنگ محمود لیان (رئیس کلانتری نجفی مشهد) ادامه یافت.

بر اساس ماجرای واقعی در زیرپوست شهر

پس از انجام تشریفات و انتشار یک توییت آگهی در روزنامه شماره ۱۴۰۴۵۴۶۰۰۰۰۰۴۱۰۴۵ وعدم وصول هر لایحه یا اعتراض یا ارائه وصیت نامه سری یا لابی حسب گواهی متصدی در بوط و ملاحظه گواهی نامه مالیت بر ا رت به شماره سر انجام در تاریخ ۱۴۰۴/۳/۱۸ در وقت فوق العاده شعبه ۸ شماره ۹ دادگاه صلح شهرستان نیشابور به تصدی امضا، گننده زیر تشکیل و پس از ملاحظه پرونده و به استناد ماده ۳۶۲ امور حسبی گواهی می نماید که ورثه متوفی یاد شده منحصر به اشخاص ر شخص یاد شده در بالا بوده و وراثت دیگری ندارد بنابراین «فرای آن روانشاد پس از پرداخت و انجام حقوق و دیونی که بر ترکه تعلق میگیرد به شرح ذیل می باشد: یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از بهای اموال غیر منقول از عرصه و اعیان سهم همسر متوفی و یک ششم از کل اموال سهم مادر، بقیه ماترک بین فرزندان به نسبت سهم پسر دو برابر از سهم دختر قابل تقسیم و تسهیم می باشد. اعتبار قانونی این گوهی نامه از حیث مبلغ نامحدود می باشد.

قاضی شعبه نهم دادگاه صلح شهرستان نیشابور - سید محمد حسینی